



Criminal Sanction of the Prohibition of Generation in Iranian Law (Supervising Article 23 of the Family Protection Law 2012)

Saeedeh Tamizkar^{1*}, Atefeh Abbasi¹, Maryam Sadat Mohaghegh¹

1. Department of Family Law, Imam Sadegh University (AS), Sisters Campus, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: For the first time in the commentary of Article 23 of the Family Protection Law approved in 2012, the issue of "prohibition of generation" for couples who have infectious and dangerous diseases and transmission of the disease threatens the health of the fetus; It has been considered by the legislator. The importance of paying attention to this issue is that the birth of a sick fetus will incur enormous medical, economic, cultural, educational and social costs for the society and in addition, it affects the right of the fetus to health and the fate of the future child.

Method: The method of the qualitative article is descriptive-analytical and the method of data collection is library and by taking notes.

Ethical Considerations: In the process of advancing research, trustworthiness and research ethics have been considered by the authors.

Results: It should be noted that legislative action is an effective step to improve the quality of fetal and community health, but the legislator's lack of attention to the guarantee of comprehensive and complete implementation, practically neutralizes its useful and positive consequences and is one of the legal challenges of birth control, although in ensuring the rights and integrity of the family, the priority is to establish moral and transcendent values, education and culture and criminal intervention should be the minimum and last resort, but in this particular case, it seems that by considering the guarantee of criminal execution, the health of the fetus and Protected and protected the public interest.

Conclusion: The findings emphasize that there is a possibility of criminalization of the prohibition of generation, in the above case, and accordingly can guarantee the implementation of criminal law to amend the law.

Keywords: Prohibition of Generation; Infectious and Dangerous Diseases; Right to Fetal Health; Public Interest

Corresponding Author: Saeedeh Tamizkar; **Email:** tamizkar@isuw.ac.ir

Received: March 08, 2021; **Accepted:** May 23, 2021; **Published Online:** September 12, 2022

Please cite this article as:

Tamizkar S, Abbasi A, Mohaghegh MS. Criminal Sanction of the Prohibition of Generation in Iranian Law (Supervising Article 23 of the Family Protection Law 2012). *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e28.



ضمانت اجرای کیفری منع تولید نسل در حقوق ایران (ناظر بر ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱)

سعیده تمیزکار^{۱*}، عاطفه عباسی^۱، مریم السادات محقق^۱

۱. گروه حقوق خانواده، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: برای اولین بار در تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، مسأله «منع تولید نسل» برای زوجینی که بیماری مسری و خطرناک دارند و انتقال بیماری، سلامت جنین را تهدید می‌کند، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. اهمیت توجه به این مسأله بدین خاطر است که تولد جنین بیمار هزینه‌های گزاف درمانی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای جامعه در پی خواهد داشت و افزون بر آن، حق سلامت جنین و سرنوشت کودک آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روش: روش مقاله کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و از طریق فیشبرداری انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در روند پیشبرد پژوهش، امانتداری و اخلاق پژوهش مورد توجه نگارندگان بوده است.

یافته‌ها: باید توجه کرد که اقدام تقنینی گامی مؤثر برای بهبود وضعیت کیفی سلامت جنین و جامعه است، اما عدم توجه قانونگذار به ضمانت اجرای جامع و کامل، عملاً پیامدهای مفید و مثبت آن را خنثی کرده و از جمله چالش‌های حقوقی منع تولید نسل به شمار می‌آید، گرچه در تأمین حقوق و کیان خانواده اولویت با حاکم کردن ارزش‌های اخلاقی و متعالی، آموزش و فرهنگ‌سازی است و مداخله کیفری باید حداقل و آخرین راهکار باشد، اما در این مورد خاص به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری می‌توان عملاً از سلامت جنین و مصلحت عمومی صیانت و پاسداری نمود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که امکان جرم‌انگاری منع تولید نسل، در فرض مذکور وجود دارد و متناسب با آن می‌تواند ضمانت اجرای کیفری جهت اصلاح قانون پیشنهاد کرد.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرای کیفری؛ منع تولید نسل؛ بیماری مسری و خطرناک؛ حق سلامت جنین؛ مصلحت عمومی

نویسنده مسئول: سعیده تمیزکار؛ پست الکترونیک: tamizkar@isuw.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Tamizkar S, Abbasi A, Mohaghegh MS. Criminal Sanction of the Prohibition of Generation in Iranian Law (Supervising Article 23 of the Family Protection Law 2012). Medical Law Journal. 2022; 16(57): e28.

مقدمه

از منظر پزشکی، فرزندی که متولد می‌شوند را می‌توان به دو طیف فرزندان سالم یا غیر سالم تقسیم‌بندی کرد. فرزندان سالم، فرزندی هستند که در بدو تولد از سلامت جسمی و روانی برخوردار هستند و فرزندان غیر سالم، فرزندی هستند که فاقد سلامت جسمی و روانی هستند. پیشرفت‌های علم ژنتیک و پزشکی در حال حاضر قادر است درصد قابل توجهی از فرزندان غیر سالم آینده را شناسایی کند و مانع از تشکیل جنین و در نهایت تولد آن‌ها شود. در نظام حقوقی ایران، ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به منع تولید نسل اشاره دارد: «دفتر رسمی ازدواج باید پیش از ثبت نکاح گواهی صادر شده از سوی پزشکان و مراکز مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دال بر عدم اعتیاد به مواد مخدر و عدم ابتلا به بیماری‌های موضوع این ماده و یا واکسینه‌شدن طرفین نسبت به بیماری‌های مذکور را از آنان مطالبه و بایگانی کنند.

تبصره: چنانچه گواهی صادر شده بر وجود اعتیاد و یا بیماری دلالت کند، ثبت نکاح در صورت اطلاع طرفین بلامانع است. در مورد بیماری‌های مسری و خطرناک که نام آن‌ها به وسیله وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و اعلام می‌شود، طرفین جهت مراقبت و نظارت به مراکز تعیین‌شده معرفی می‌شوند. در مواردی که بیماری خطرناک زوجین به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منجر به خسارت به جنین باشد، مراقبت و نظارت باید شامل منع تولید نسل نیز باشد.»

در این ماده برای اولین بار در روند قانونگذاری ایران به منع تولید نسل بنا به دلایل پزشکی صراحتاً اشاره شده است. قانونگذار بر مبنای این ماده، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را مکلف می‌کند بر زوجینی که بیماری خطرناک دارند و احتمال خسارت به جنین باشد نظارت و مراقبت، از جمله منع تولید نسل داشته باشد.

با نگاهی اجمالی به متون حقوقی و قانونی می‌توان چنین ادعان نمود که در نظام حقوقی ایران مسأله منع تولید نسل

که در تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مورد اشاره قرار گرفته است، جرم‌انگاری نشده و قاعدتاً ضمانت اجرای کیفری بر آن بار نمی‌شود. آنچه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ توسط قانونگذار به عنوان جرائم علیه خانواده در شش عنوان تقریر و طی مواد ۸۶۸ تا ۸۷۳ بیان شده است، هیچ اشاره‌ای به مسأله منع تولید نسل دارد. این جرائم شامل «ترک انفاق»، «ازدواج با زن شوهردار و معتده»، «به عقد درآوردن زن شوهردار و معتده»، «عدم ثبت ازدواج، طلاق و رجوع»، «ازدواج قبل از بلوغ» و «تدلیس در نکاح» می‌باشد (۱). در سایر قوانینی که به نحوی مربوط به حوزه خانواده است (کودک‌آزاری، سقط جنین، جرائم مرتبط به حضانت و ملاقات اطفال، نشوز زوج، انکار زوجیت، فروش فرزند و...) و در قانون حمایت از خانواده (فصل هفتم تحت عنوان مقررات کیفری)، قانون مدنی و یا سایر فصول قانون مجازات اسلامی، هیچ اشاره‌ای به منع تولید نسل نشده است. با این حال، می‌توان تصور کرد بر اساس تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده، تخطی از مسأله منع تولید نسل در شرایطی که تهدیدی علیه سلامت جنین باشد ناشی از اقدام سه گروه یا یکی از آن‌ها باشد: ۱- زوجینی که بیماری مسری دارد؛ ۲- پزشک متخصصی که وظیفه مراقبت و کنترل دارد، اما خطا کرده باشد؛ ۳- سردفتر رسمی ازدواج که وظیفه ثبت و گزارش را دارد. قانونگذار به نحوی تلاش کرده است ضمانت اجرا برای سردفتر رسمی و پزشک متخصص خاطی در نظر گیرد، اما در رابطه با خطای زوجین سکوت کرده است.

در ذیل فصل هفتم قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ - مقررات کیفری - قانونگذار مجازات پزشکی که تعمداً خلاف واقع گواهی ماده ۲۳ را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری نماید، را برای «بار اول به محرومیت درجه شش موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم» می‌کند (ماده ۵۵). همچنین قانونگذار در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده نیز به مقررات کیفری ناظر بر تخلف سردفتر رسمی ازدواج پرداخته است. بر اساس این ماده، چنانچه سردفتر رسمی بدون اخذ گواهی موضوع ماده ۲۳ مبادرت به ثبت ازدواج

نماید به «محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم» می‌شود.

با این حال می‌توان به دلیل اهمیت مسأله انتقال بیماری مسری و خطرناک زوجین به جنین و ضرورت صیانت از حق سلامت فرزند و مصالح عمومی جامعه در رابطه با خطا و کوتاهی زوجین که مسأله مورد بحث ماده ۲۳ است، اقدام به جرم‌انگاری کرد. پیش‌فرض نگارندگان در این رابطه این است که مسأله تضییع حق سلامت جنین و مصالح عمومی جامعه اگر با اهمیت‌تر از بسیاری از مسائل خانواده که جرم‌انگاری شده است، نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آن نیست و به نظر می‌رسد ضمانت اجرای کیفری تنها می‌تواند تضمین مناسب، بازدارنده و عقابایی در رابطه با این مسأله خاص باشد. از این رو نگارندگان در این مقاله، درصدد پاسخ به این سؤالات هستند:

۱- دلایل و ضرورت در نظرگرفتن ضمانت اجرای کیفری برای منع تولید نسل چیست؟؛ ۲- بایسته‌های جرم‌انگاری منع تولید نسل چیست؟؛ ۳- چه ضمانت اجرای کیفری برای منع تولید نسل می‌توان پیشنهاد کرد؟

روش

شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای به صورت فیشبرداری و روش انجام تحقیق کیفی و تحلیل یافته‌ها به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

یافته‌ها

۱. اهمیت و ضرورت ضمانت اجرای کیفری برای منع تولید نسل: پیش‌فرض قانونگذار در منع تولید نسل ناظر بر تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱ ش.) حل تعارض پیش‌آمده بین حق استیلاد زوجین با حق بر سلامت جنین و همچنین مصلحت عمومی جامعه بوده است. در فرض مذکور که انتقال بیماری مسری و خطرناک منجر به تهدید سلامت جنین می‌شود؛ مهم‌ترین دلایلی که مداخله دولت را به دلیل اهمیت سلامت جنین و ضرورت مصلحت جامعه جایز می‌شمارد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۱. **هزینه‌های گزاف اقتصادی:** به نظر نگارنده، از یکسو نگاه کلی به نیروی انسانی در عرصه اقتصادی بیانگر این مطلب است که افراد یا نیروی مولد هستند یا غیر مولد و اساساً برنامه‌ریزی اقتصادی دولت‌ها برای استفاده حداکثری از نیروی انسانی در امر اقتصادی می‌باشد. قاعدتاً در شرایط عادی و طبیعی، کارآمدی اقتصادی شهروند سالم در مقایسه با غیر سالم قابل مقایسه نیست. شهروند بیمار به هر حال بخشی از وقت و انرژی خود را باید صرف درمان یا کنترل بیماری کند و اساساً نمی‌تواند در عرصه مختلف اقتصادی حضور فعال داشته باشد. افراد بیمار برای اشتغال در هر کاری مناسب نیستند و چه بسا به خاطر محدودیت‌های ناشی از بیماری مجبور باشند به صورت نیمه‌وقت فعالیت نمایند. از این رو در مقایسه با نیروی مولد سالم، بهره‌وری کمتری برای جامعه دارند. از سوی دیگر، دولت به منظور حمایت از بیماران و تأمین حقوق اجتماعی آن‌ها باید هزینه‌های گزافی صرفاً مسائل درمانی و مراقبتی آن‌ها نماید. هزینه‌هایی که می‌توانست در صورت عدم وجود بیماران یا کاهش آن‌ها، صرف بهبود و ارتقای کیفی زندگی سایر شهروندان جامعه شود. باید به این نکته توجه نمود که هزینه‌های درمانی بیماری مسری به مراتب سنگین‌تر از بسیاری از بیماری‌های دیگر می‌باشد. شاید بتوان چنین گفت که با هزینه درمانی که صرف یک بیمار مسری می‌شود بتوان جان ده‌ها بیمار که به دلیل هزینه‌های درمانی از پیگیری و درمان استنکاف می‌کنند، نجات داد. گرچه آمار دقیق و جزئی در رابطه با این هزینه در دسترس نیست، اما بر اساس برخی از نظرات متخصصان، هزینه درمان یک بیمار مبتلا به ایدز تا پایان عمر ۴ میلیارد تومان - ناظر بر سال ۱۳۹۸ - است که وزارت بهداشت مکلف به ارائه درمان رایگان است (۲). در سال ۱۳۹۸ حدود ۸ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برای آزمایش بیماران مبتلا به ایدز تنها در بیمه سلامت هزینه شده است (۳) و هزینه نگهداری هر معلول برای دولت سالانه ۲۴ میلیون تومان - در سال ۱۳۹۷ - بوده است (۴).

۱-۲. **تهدیدات بهداشتی:** به نظر نگارنده، بیماری‌های مسری و خطرناک همانطوری که از زوجین به جنین منتقل می‌شود و

حتی انسانی بوده است. مسأله کیفیت نسل ارتباط مؤثر و مهمی با تعالی و پیشرفت جامعه دارد و دولت‌ها می‌کشند همواره با در پیش‌گرفتن سیاست‌هایی نظیر کنترل جمعیت آن را بهبود بخشند. قاعدتاً ترویج بیماری‌های مسری در جامعه می‌تواند تأثیر شایانی بر کیفیت نسل و چه بسا زوال نسل بنا به دلایلی که ذکر شد - در ذیل تهدیدات بهداشتی - داشته باشد.

۱-۵. کاهش اقتدار ملی: به نظر نگارنده، امروزه وضعیت و کیفیت سلامت و رفاه جامعه یک شاخص مهم در ارزیابی دولت‌ها و جوامع بشری در جامعه جهانی می‌باشد. اینکه در یک کشور تعداد بیماران حداقل باشد بیانگر کارآمدی نظام سیاسی و رفتار اجتماعی شهروندان در زمینه سلامت جسمی و روانی آحاد جامعه می‌باشد. وجود کثرت بیماران در یک جامعه همچون فقر، بزه‌کاری، سرقت و... می‌تواند حیثیت اجتماعی یک ملت را دچار خدشه و آسیب نماید و با عزت و اقتدار ملی آن جامعه در تعارض باشد. نیروی انسانی سالم و متخصص در هر جامعه‌ای فاکتور مهم در ارزیابی اقتدار ملی خواهد بود.

۲. بایسته‌های جرم‌انگاری در حوزه خانواده: داشتن ضمانت اجرا یکی از ویژگی‌های بارز و بنیادین حقوق می‌باشد. در واقع، چنانچه تابعان حقوق، خود را در اجرای قواعد حقوق آزاد و مختار و بدون حساب و کتاب در نظر بگیرند، آنگاه نمی‌توان هدف حقوق را که تنظیم روابط اشخاص و برقراری نظم در اجتماع است تضمین نمود. ضمانت اجرا به معنای قدرتی است که برای التزام به قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می‌شود (۵). به عبارتی دیگر اجرای قوانین مصوب و احکام صادره از دادگاه‌ها به وسیله نیرویی از سوی قانونگذار تضمین می‌شود که به آن ضمانت اجرا گفته می‌شود. بنابراین اصول بنیادین که منشأ وضع قواعد حقوقی و نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر اجتماع می‌باشند، باید اجرای آن‌ها از سوی دولت، تضمین و تأمین گردد (۶). از این رو تحقق اهداف قانونگذار و به طور کلی حقوق که همان استقرار نظم و تنظیم روابط اجتماعی است زمانی مثمر ثمر خواهد بود که

سلامتی او را تهدید می‌کند، این امکان وجود دارد که در طول زمان، از فرزند به دیگر افراد جامعه سرایت نماید، در نتیجه تدریجاً شاهد افزایش جامعه آماری بیماران در یک کشور هستیم. امری که می‌تواند تهدیدی جدی علیه سلامت جامعه و حتی تناوب نسل و توالد گردد، چراکه به صورت معمول افرادی که با بیماری بالاخص بیماری‌های مسری درگیر هستند، عمر کوتاهی در مقایسه با افراد سالم دارند. همین مسأله در کنار بی‌رغبتی در برخی از این افراد جهت فرزندآوری می‌تواند منجر به زوال نسل تدریجاً گردد. به هر حال مسئولیت نهاد بهداشت و درمان در هر دولتی، ارتقای کیفی سلامت جسمی و روحی افراد جامعه می‌باشد تا این افراد بتوانند با حداکثر توان در خدمت جامعه قرار گیرند. کثرت بیماران در یک جامعه مانع از خدمات کیفی درمانی و پزشکی به سایر اعضای جامعه خواهد شد.

۱-۳. معضلات فرهنگی: به نظر نگارنده، لازمه پیشگیری، مراقبت و درمان بیماری‌های مسری و خطرناک در جامعه، ترویج فرهنگ درمانی متناسب و هدفمند است. تولید و ترویج فرهنگ تعامل و ارتباط با بیماران مسری دوسویه است: از یکسو باید از طریق رسانه‌های جمعی و مراکز آموزشی به افراد سالم آموزش داد که چگونه با این بیماران تعامل کنند تا حقوق آن‌ها ضایع نشود و خودشان مبتلا به بیماری مسری نگردد و از سوی دیگر، افراد بیمار نیاز به آموزش فرهنگ درمانی هستند تا به حقوق دیگران صدمه وارد نکنند. تولید و ترویج و نهادینه کردن فرهنگ درمانی امری زمانبر و هزینه‌بردار است و بر ساحت‌های مختلف زندگی فرد از دوران طفولیت تا مرگ جریان دارد. رفتار و حضور این بیماران در دوران تحصیل، اشتغال، ازدواج و... ملازمه با فرهنگ خاصی دارد، چنانچه جمعیت بیماران مسری در جامعه به حداقل برسد فرصت‌های فرهنگی که به خاطر معضلات فرهنگی این بیماران باید صرف شود، می‌تواند به ارتقای کیفی فرهنگ عمومی جامعه قرار گیرد.

۱-۴. مخاطرات نسلی: به نظر نگارنده، کیفیت نسل بشر دستخوش تحولات ژنتیکی، تغذیه‌ای، بهداشتی و جغرافیایی و

قدرت برآمده از حاکمیت دولتی، تضمینگر و پشتیبان قاعده حقوقی باشد (۷).

عدم وجود ضمانت اجرا در قوانین حاکم و ناظر بر حقوق خانواده بنا به دلایلی چون غفلت قانونگذار، عدم قابلیت تعیین ضمانت اجرا و آموزه‌های اخلاقی حاکم بر حوزه‌های تقنین در این عرصه است. در زمینه غفلت مقنن می‌توان حکم طلاق مکره را مثال زد که از جمله احکامی است که در قانون ضمانت اجرایی برای آن ذکر نشده است (ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی). همچنین در مواقعی ماهیت رفتار مخالف قانون به گونه‌ای است که قابلیت تعیین ضمانت اجرای مستقیم نداشته و در این موارد قانونگذار ناچار است تا به ترتیب نتایجی بر تخلف فرد از قانون و عدم اصلاح وی اکتفا نماید. به عنوان مثال الزام زن به سکونت در منزل شوهر و تمکین از او از جمله این رفتارها می‌باشد، زیرا که لازمه تمکین، احترام و رعایت حرمت است که با زور و اجبار تلازم ندارد. در مواقعی که وضع قوانین به گونه‌ای است که در واقع الزام‌های اخلاقی را در قالب قانون بیان کرده است (همچون ماده ۱۱۰۴ و ۱۱۷۷ قانون مدنی) تعیین ضمانت اجرا و سنجش میزان تخطی افراد از این قوانین به سختی ممکن است (۸).

در حقوق کیفری، اصطلاح مداخله کیفری به معنای بازداشتن قهری افراد جامعه از آنچه دوست می‌دارند، انجام دهند و وادار نمودن قهری آن‌ها به انجام آنچه دوست ندارند، می‌باشد (۹). در بادی امر، در رابطه با جرم‌انگاری لازم است به فلسفه مجازات‌ها در اسلام توجه شد. در یک دیدگاه، میان نص‌گرایان و مقاصدیون تمیز قائل شده‌اند. نص‌گرایان بر این باورند که فلسفه و هدف کیفر در شریعت اسلامی، سزادهی و بازدارندگی و تشفی خاطر مجنی‌علیه بوده و مقاصدیون نیز بر این نکته تأکید دارند که هدف از وضع و اجرای کیفر، تأدیب، اصلاح و بازپروری مرتکب است (۱۰). در دیدگاهی دیگر که از آن به عنوان دیدگاه دوگانه و ترکیبی یاد می‌شود، فلسفه و اهداف کیفر در اسلام به دو قسم تقسیم شده است: یک قسم ناظر بر جامعه؛ قسم دیگر ناظر بر مرتکب و قربانی جرم. آن بخش از اهداف کیفر که ناظر بر اجتماع می‌باشد، باید اهدافی چون

اجرا و تأمین عدالت، پاسداشت حدود و حریم الهی و مبارزه با فساد و تباهی را تأمین نماید و آن بخش از اهداف کیفر که ناظر بر مرتکب و قربانی جرم است صرفاً سزادهی، تحمیل رنج و تأدیب فرد به خاطر عمل گذشته نیست، بلکه موضوع اصلاح و بازاجتماعی کردن مرتکب جرم نیز مطرح می‌باشد (۱۱). با این حال، می‌توان گفت که قدر متیقن دو دیدگاه فوق‌الذکر، بازدارندگی می‌باشد. اهمیت این مسأله تا حدی است که به اعتقاد برخی از فقها، در آموزه‌های دینی، مجازات در هیچ موردی هدف نبوده، بلکه اساساً وسیله‌ای بازدارنده برای مجازات‌شونده و دیگر مردم می‌باشد (۱۲)، چنانچه حداقل فلسفه مجازات‌ها در اسلام بازدارندگی باشد، باید پرسید چگونه این امر محقق می‌گردد. به اعتقاد حقوقدانان دو عامل بر بازدارندگی مجازات‌ها تأثیرگذار است: احتمال مجازات (قطعیت) و شدت مجازات (میزان). بر اساس تئوری بازدارندگی، دولت‌ها می‌توانند با افزایش احتمال مجازات (از طریق افزایش احتمال دستگیری یا محکومیت) و یا افزایش شدت مجازات (مانند افزایش طول مدت مجازات زندان) نرخ جرم را کاهش دهند. با این حال، در رابطه با میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد برخی بر قطعیت و برخی دیگر بر شدت تأکید دارند. برخی از نویسندگان تأثیرپذیری این دو عامل بر بازدارندگی را تابعی از «خطرپذیری» می‌دانند. بدین معنا که تمام شهروندان نسبت به شدت و قطعیت مجازات واکنش یکسانی ندارد و افراد درجات مختلفی از خطرپذیری را دارند. بنابراین حسب مورد، تأثیر قطعیت و شدت متفاوت خواهد بود. افرادی که خطرپذیرند، از افزایش قطعیت مجازات‌ها تأثیر می‌پذیرند و افرادی که خطرگریزند، افزایش شدت مجازات‌ها، بازدارندگی قوی‌تری برای آن‌ها در پی خواهد داشت (۱۳).

با این حال، گرچه حقوق خانواده در حوزه حقوق خصوصی قرار دارد، اما در حال حاضر، ورود حقوق کیفری به عنوان شاخه‌ای از حقوق عمومی در این حوزه بنا به دلایلی چون برقراری نظم جامعه و حفظ حقوق اعضای خانواده موجه و توجیه‌پذیر است. جرم‌انگاری ازدواج دائم یا طلاق بدون ثبت،

سوی قانونگذار بدون در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد نهاد خانواده فاقد کارآمدی لازم خواهد بود (۸). همانطوری که در جامعه، برخی از افراد موجبات اخلال و صدمه به جامعه می‌شوند، در نهاد خانواده نیز می‌توان متصور شد که برخی از اعضای خانواده می‌توانند موجب اخلال و صدمه به کیان خانواده شوند. از آنجایی که لازمه مصون ماندن جامعه از تعرض افراد، وضع و اجرای مقررات حمایتی است کیان خانواده نیز برای اینکه از تعرض‌ها در امان باشد، احتیاج به مقررات حمایتی دارد. قوانین کیفری مهم‌ترین مقرراتی هستند که می‌توانند از تعرض و آسیب به جامعه حمایت نمایند. با این حال در رابطه با نهاد خانواده در مقایسه با جامعه، به سهولت نمی‌توان به قوانین کیفری تمسک کرد. به عبارتی تمسک به ضمانت اجرای کیفری آخرین راه حل مفید فایده می‌باشد. همین امر سبب شده است که در حال حاضر، مقررات کیفری حاکم بر کیان خانواده در مقایسه با مقررات غیر کیفری حاکم بر خانواده بسیار ناچیزتر است (۱۴). با این حال، برقراری نظم جامعه و حفظ حقوق اعضای خانواده می‌تواند دلایلی منطقی و موجه برای مداخله کیفری در حوزه خانواده باشد (۱۷).

۳. امکان جرم‌انگاری منع تولید نسل: در این راستا، به اعتقاد نگارنده می‌توان در رابطه با تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده سؤالاتی این چنینی مطرح کرد: آیا اقدام زوجین برای باروری با فرض انتقال بیماری مسری و خطرناک به جنین، نافی نظم جامعه است یا حقوق اعضای خانواده یا هر دو؟ به نظر می‌رسد تولد جنین بیمار در چنین شرایطی نه تنها نقض حق سلامت جنین و کودک بوده، بلکه نافی نظم جامعه است، حتی فراتر از این می‌توان تصور کرد که اقدام چنین زوجینی برای فرزندآوری دوم و سوم و حتی بیشتر می‌تواند در سطح کلان نظم جامعه را مورد تهدید قرار دهد و هزینه‌های درمانی و آموزشی گزافی برای مراقبت از این کودکان برای جامعه در پی داشته باشد. به هر حال این امکان وجود دارد که هر یک از این فرزندان بیمار نیز روزگاری تشکیل خانواده بدهند و با مبادرت به فرزندآوری، تدریجاً سلامت نسل یک

ازدواج با دختر زیر سن نکاح، ترک انفاق و... در این رابطه ارزیابی می‌شود (۱۴). با این حال باید توجه داشت به دلیل ماهیت نهاد خانواده مداخله کیفری باید حداقلی و مبتنی بر سیاست کیفری حکیمانانه استوار شود.

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، کانون مقدسی است که بر پایه عالی‌ترین عواطف استوار شده است. نهاد خانواده همچون سایر نهادهای اجتماعی، پیوسته با تهدیدهایی مواجه بوده است. از این رو لزوم حمایت‌های شایسته و سنجیده از این نهاد مقدس ضروری و انکارناپذیر است. اهمیت این نهاد در تنظیم روابط اجتماعی، تعلیم و تربیت فرزند و پیشرفت و عمران کشور سبب شده است تا نظام‌های حقوقی با وضع مقررات و ضمانت اجرای مدنی و کیفری به حمایت از خانواده و هنجارها و ارزش‌های آن بپردازند (۱۵). جنس حقوق خانواده، از جمله حقوقی است که باید به ندرت از ضمانت اجرای کیفری از آن استفاده کرد. حمایت کیفری از ارزش‌های خانواده باید همیشه در آخرین مرحله صورت گیرد. اهمیت این مسأله در حقوق خانواده از آن جهت که ایجاد و دوام آن بر عشق و عاطفه مبتنی می‌باشد دوچندان است. به عبارتی دقیق‌تر می‌توان چنین گفت که اخلاق اصل حاکم بر نهاد خانواده می‌باشد و حقوق کیفری جایگاه فرعی در آن دارد (۱۶).

در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای قانون به منظور جلوگیری از نقض یا ترک قانون ضروری بوده و با ورود به حوزه خانواده در مقایسه با عرصه‌های قانونگذاری دیگر با محدودیت‌ها و چالش‌هایی دوچندان مواجه است. از یکسو قاعده حقوقی بدون تضمین عنصری لغو بوده و از سوی دیگر، قانونگذار فاقد ظرفیت لازم برای سیطره بر روابط پنهانی خانواده که بر پایه همدلی و احترام شکل گرفته است، می‌باشد. از این رو توسل به اجبار و الزام امری عبث و بیهوده بوده و نمی‌تواند اعضای خانواده را به انجام تکالیف قانونی مجبور کند. با فرض تعیین ضمانت اجرا برای قوانین خانواده، می‌توان متصور شد که اجرای قانون احتمالاً آسیب‌های جدی‌تری به اعضای خانواده و بلاخص فرزندان وارد کند. از این رو پیش‌بینی ضمانت اجرا از

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده قابلیت جرم‌انگاری را دارد یا خیر؟ می‌توان مراحل سه‌گانه مذکور را در این رابطه مورد نقد و بررسی قرار داد.

بنا به اعتقاد برخی از نویسندگان نظام‌های مختلف حقوقی از اصول جرم‌انگاری واحدی پیروی نمی‌کنند، اما تحلیل قوانین کیفری که متأثر از فلسفه‌های سیاسی و حقوقی است، این نکته را گوشزد می‌نماید که قانونگذاران بر پایه اصول چهارگانه آسیب، پدرسالاری قانونی، اخلاق‌گرایی قانونی و کمال‌گرایی جرم‌انگاری می‌نمایند (۱۸). از میان اصول و مبانی چهارگانه، اصل آسیب یا زیان بانفوذترین و مؤثرترین اصل در الگوهای متعارف جرم‌انگاری بوده و در تبیین و توجیه مداخله دولت در حریم آزادی‌های شهروندان به منزله مهم‌ترین معیار تحدید آزادی به حساب می‌آید (۹). بنا بر این اصل، تنها دلیل موجه برای تحدید و مداخله در آزادی دیگران زمانی است که رفتار فرد اسباب آسیب به دیگران را فراهم می‌سازد. بنابراین زمانی به کاربرد رفتار قهری و اجبار علیه دیگران جایز است که بتوان اثبات نمود عمل فرد صدمه‌ای به کسی دیگر وارد خواهد نمود. در عرصه خانواده، اصل آسیب می‌تواند زمینه جرم‌انگاری رفتارهای علیه اعضای خانواده را توجیه نماید. در این راستا، قانونگذار با تکیه بر اصل زیان و آسیب در راستای حمایت از اعضای خانواده در برخی موارد نسبت به رفتارهایی که اعضای خانواده را در معرض آسیب قرار داده است متوسل به تدابیر قهرآمیز شده و جرم‌انگاری نموده است (۱۵). به نظر می‌رسد مبنای قانونگذار ایران در جرم‌انگاری کودک‌آزاری مطابق با ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.)، جرم‌انگاری عدم ثبت نکاح در ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده علیرغم جاری شدن نکاح بدون تشریفات خاص بر اساس ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی و قواعد اسلامی، و همچنین جرم‌انگاری ازدواج با اطفال طبق ماده ۵۰ قانون حمایت خانواده با فرض عدول از شرایط مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی همگی به دلیل وجود ضرر و زیان و در چارچوب اصل آسیب قابل توجیه است.

جامعه را دچار خدشه کنند؟! همه این تصورات و شقوق ذهنی، حکایت از بااهمیت‌بودن حفظ نسل انسانی (سلامت کمی و کیفی نسل) دارد و می‌تواند مداخله کیفری با فرض تبصره ماده ۲۳ را به عنوان آخرین راهکار برای ضمانت اجرای کیفری منع تولید نسل، جایز بداند. اهمیت این مسأله در قیاس با جرم‌انگاری ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با رهاکردن کودک و تشدید مجازات مندرج در ماده ۵۹۶ در رابطه با سوءاستفاده افراد غیر رشید در تنظیم سند، اگر بیشتر نباشد، قطعاً کمتر نخواهد بود.

همانطور که بیان شد، منشأ تشکیل خانواده توافق بوده و لازمه پایداری خانواده تنظیم روابط آن است. در تنظیم روابط گاهی اوقات ضمانت اجراهای مدنی که در واقع در حوزه حقوق مدنی قرار دارد کفایت می‌کند و در مواقعی دیگر، ضمانت اجراهای قهرآمیز و تا حدودی سرکوبگر می‌تواند تضمین‌کننده استحکام روابط خانواده باشد. نظر به اینکه جرم‌انگاری‌ها عموماً در حوزه‌های عمومی که به گونه‌ای نظم عمومی را مختل نموده است، انجام می‌گیرد ورود جرم‌انگاری به حریم خصوصی خانواده نیازمند دلیل متقن بر ضرورت آن است. از این رو چنین ورودی «باید در جهت دفاع از ارزش‌هایی صورت گیرد که اگرچه در رابطه خصوصی اعضای خانواده نقض شده است، اما آثار آن بر جامعه نیز بار می‌شود و از سوی دیگر ضمانت اجراهای حقوقی برای جبران آن ناکارآمد بوده یا کفایت» نکرده باشد (۱۴).

بنا به پیشنهاد Jonathan Shanshak لازمه اینکه رفتاری جرم‌انگاری شود، عبور از سه مرحله اصول و مبانی، پیش‌فرض‌ها و کارکردها می‌باشد. بر مبنای اصول و مبانی باید این امر توجیه شود که رفتار بر اساس اصول نظری راجع به جرم‌انگاری توجیه‌پذیر است. بر اساس پیش‌فرض‌ها، حکومت تنها زمانی می‌تواند به جرم‌انگاری متوسل شود که بتواند با دلایل یقینی ثابت کند جزء مجازات راه حل دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد و در مرحله کارکردها باید پیامدهای عملی و سود و زیان اجتماعی اجرا یا عدم اجرای قانون کیفری پیشنهادی بررسی شود (۱۷). در این رابطه

عناصر سه‌گانه در رابطه با امکان ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده به شرح ذیل است:

- عنصر قانونی: این عنصر ریشه در اصل قانونی بودن جرائم دارد (۲۰). بر اساس اصول مسلم حقوق کیفری، تا زمانی که قوانین حاکم بر یک جامعه عملی را به عنوان عمل مجرمانه تعریف و معین ننماید، اشخاص در مبادرت به انجام آن عمل آزاد می‌باشند (۱۹). به عبارت دیگر تعیین جرم، مجازات، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و اجرای آن همگی باید طبق اصول و مقررات پیش‌بینی‌شده در قانون انجام گرفته باشد (۲۱). بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی نیز «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون» صورت گیرد. همچنین بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.» در حال حاضر در رابطه با ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده می‌توان گفت، عنصر قانونی در رابطه با جرم‌بودن اقدام زوجینی که بیماری مسری دارند و بدون توجه به مراقبت و نظارت تصریح‌شده در قانون مذکور، اقدام به فرزندآوری می‌کند، توسط قانونگذار مورد اشاره قرار نگرفته است، اما با توجه به اینکه با فرض مذکور، رفتار زوجین می‌تواند مصداق ضرر جانی و مالی به غیر - سلامت فرزند و جامعه - گردد، قانونگذار باید مبادرت به جرم‌انگاری نماید تا شرط رکن قانونی تأمین گردد. با این حال، در رابطه با انتقال بیماری ایدز به دیگران که می‌تواند یکی از مصادیق بیماری مسری و خطرناک باشد (همچون تبصره ماده ۲۳) به اعتقاد برخی از کارشناسان در صورت تعمد و کوتاهی انتقال‌دهنده، عموم موافقان و مخالفان جرم‌انگاری بیماری مذکور، قائل به مجازات کیفری هستند (۲۲).

- عنصر مادی: تحقق جرم مشروط به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم می‌باشد. به عبارتی دیگر، تا زمانی که مظهر خارجی اراده در قالب فعل (مثل سرقت) یا ترک فعل (ترک انفاق) تحقق نیابد، جرم واقع نمی‌شود. از این رو، صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب نمی‌باشد (۱۹). بنابراین عنصر، می‌تواند

به نظر نگارنده، با امعان نظر در تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده از منظر جرم‌انگاری، بیانگر نکاتی قابل توجه است که می‌تواند امکان جرم‌انگاری منع تولید نسل را توجیه نماید:

۱- می‌توان حالت‌هایی متصور شد که جرم‌انگاری در مسأله منع نسل آخرین و تنها اقدام مؤثر از جانب حکومت برای جلوگیری از ضرر و آسیب به دیگران باشد. شاید گفته شود در این زمینه اقدامات آموزشی و فرهنگی برای جلوگیری از تولید نسل می‌تواند مفیدتر واقع شود، اما به هر حال می‌توان زوجینی را یافت که صرفاً برای ارضای نیاز خود مبنی بر فرزند داشتن با نادیده‌انگاشتن اقدامات آموزشی و فرهنگی مبادرت به فرزندآوری نمایند، در این صورت چه کسی پاسخگوی جنین بیمار و کودک ناسالم آینده خواهد بود؟ ۲- اقدام زوجینی که بیماری مسری و خطرناک دارند و بنا به نظر متخصص می‌تواند سلامت جنین را مورد تهدید قرار دهد، مصداق واقعی از آسیب و ضرر به دیگران به حساب می‌آید. در واقع استیفای حق استیلا در این مورد خاص منجر به آسیب و زیان به دیگری - جنین و کودک آینده - می‌شود، بنابراین بر مبنای اصل آسیب می‌توان مبادرت به جرم‌انگاری کرد تا با لحاظ کردن ضمانت اجرا برای آن مانع از ضرر به دیگران شود؛ ۳- عناصر مادی، معنوی و قانونی که از ارکان تشکیل‌دهنده عمومی جرم می‌باشند، با فرض تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده، قابل شناسایی است و قانونگذار در مقام جرم‌انگاری می‌تواند با تدقیق و اصلاح آن را مد نظر قرار دهد.

در رابطه با امکان جرم‌انگاری ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده می‌توان چنین توضیح داد که از جنبه علم حقوق، فعل انسان زمانی جرم به حساب می‌آید که اولاً قانونگذار آن فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن معین نموده باشد (عنصر قانونی)؛ در ثانی، عمل یا ترک عمل به مرحله فعلیت رسیده باشد (عنصر مادی)؛ ثالثاً با علم و اختیار ارتکاب به جرم انجام شده باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ این عناصر سه‌گانه که در همه جرائم مشترک هستند، تحت عنوان عناصر عمومی از آن یاد می‌شود و عناصری که در جرائم مختلف، متفاوت بوده و تمایزدهنده جرائم از یکدیگر هستند (نظیر بردن مال دیگری در جرم سرقت) عناصر اختصاصی جرم می‌باشند (۱۹). تفصیل

نتیجه‌گیری

لازمه تحقق اهداف تقنینی منع تولید نسل، یعنی حفاظت از سلامت جنین و صیانت از مصلحت عمومی، جرم‌انگاری آن می‌باشد. منع تولید نسل با فرض تبصره ماده ۲۳ در مقایسه با مسائلی که در حیطة خانواده، جرم‌انگاری شده، اگر با اهمیت‌تر و ضروری‌تر نباشد، قطعاً کمتر نیست. از جنبه علم حقوق، فعل انسان زمانی جرم به حساب می‌آید که عنصر قانونی، مادی و معنوی محقق گردد. قانونگذار باید رفتار زوجینی که بیماری مسری و خطرناک دارند و انتقال بیماری مسری می‌تواند مصداق ضرر جانی و مالی به غیر - سلامت فرزند و جامعه - گردد را جرم‌انگاری نماید تا شرط رکن قانونی تأمین گردد. از لحاظ عنصر مادی، زمانی اقدام زوجین می‌تواند عملی مجرمانه به حساب آید که جنین تولد یافته بنا به نظر متخصصان پزشکی مبتلا به بیماری ناشی از امراض مسری و خطرناک والدین باشد یا جنین به خاطر بیماری مسری زوجین پیش از تولد فوت نماید. از لحاظ عنصر روانی، می‌توان چنین گفت زمانی فعل زوجین در انتقال بیماری مسری و خطرناک به جنین و فرزند جرم به حساب می‌آید که در واقع امر، زوجین با فرض هشدار پزشک متخصص مبنی بر تهدید سلامت جنین، عامدانه اقدام به باروری نمایند و هیچ کنترل و مراقبتی بر موالید نداشته باشند یا در این رابطه کوتاهی و خطایی - عمدتاً - از آن‌ها سرزند.

بحث

گفت زمانی اقدام زوجین موضوع مورد بحث ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده می‌تواند عملی مجرمانه به حساب آید که جنین تولد یافته بنا به نظر متخصصان پزشکی مبتلا به بیماری ناشی از امراض مسری و خطرناک والدین باشد یا جنین به خاطر بیماری مسری زوجین پیش از تولد فوت نماید. - عنصر روانی: وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم دانسته، تنها برای احراز مجرمیت بزه‌کار و مجازات کافی نبوده، بلکه بزه‌کار باید قصد مجرمانه و تعمدی از نظر روانی بر ارتکاب جرم داشته باشد (همچون قتل عمد) یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی‌آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) دانست (همچون عبور راننده از چراغ قرمز) (۲۰). بر اساس این عنصر می‌توان چنین گفت زمانی فعل زوجین در انتقال بیماری مسری و خطرناک به جنین و فرزند جرم به حساب می‌آید که در واقع امر، زوجین با فرض هشدار پزشک متخصص مبنی بر تهدید سلامت جنین، عامدانه اقدام به باروری نمایند و هیچ کنترل و مراقبتی بر موالید نداشته باشند یا در این رابطه کوتاهی و خطایی -

مشارکت نویسندگان

سعیده تمیزکار: گردآوری مطالب و منابع و نگارش مقاله.
عاطفه عباسی: تأیید پایانی مقاله.
مریم‌السادات محقق: نظارت بر روند مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار در قانون حمایت خانواده در تبصره ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ بیان داشته است که در شرایط بیماری مسری و خطرناک زوجین زمانی که این وضعیت منجر به خسارت به جنین می‌شود مراقبت و نظارت درمانی و آموزشی باید منتهی به منع تولید نسل گردد. این بیان مقنن با ابهاماتی در عرصه اجرا رو به رو می‌باشد، از جمله اینکه ضمانت اجرای این ممنوعیت تولید نسل چیست؟ از چه طریقی می‌توان خانواده‌ها سردفتر یا پزشک را مجبور به رعایت این قانون کنیم؟ چه میزان از ورود دولت در حریم خصوصی خانواده و ایجاد ضمانت اجرا برای آن قابل توجیح است؟ این‌ها سؤالات و ابهاماتی است که در این مقاله به توضیح و شرح آن پرداخته می‌شود.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Rezaie Rad A, sahraneshin Samani S. Offences against Family; Challenges and Strategies. *Academic Journal of Knowledge and Research of Law*. 2014; 3(1): 34-62. [Persian]
2. Nakhaei N. The cost of treating a patient with AIDS is 4 billion tomans. 2018. Available at: <https://www.isna.ir/news/98030803601/>. Accessed May 29, 2019. [Persian]
3. Interview with the Director General of the Specialized Services Office of the Health Insurance Organization of Iran. 2020. Available at: <https://www.ihio.gov.ir>. Accessed December 1, 2020. [Persian]
4. Interview of the Deputy Minister of Prevention and Development of the Welfare Organization. 2018. Available at: <http://www.ion.ir/news/396396>. Accessed August 8, 2018. [Persian]
5. Jafari Langroudi M. Extensive in Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh; 2007. Vol.4 p.9. [Persian]
6. Bagherinejad Z, Goldoust Jouibari R. Criminal, Civil and Disciplinary Responsibility of Violators of Fundamental Principles of Criminal Procedure. *Journal of Criminal Law Research*. 2014; 2(5): 73-92. [Persian]
7. Claude D. Introduction to General Theory and Philosophy of Law. Translated by Mohammad Tabatabai A. Tehran: Bouzarjomehri Publishing; 1953. p.242. [Persian]
8. Asadi L, Zabihi A. The introduction of criminal law into the field of family and the quality of enforcing rules in this field. *Law Excellence Quarterly*. 2013; 4(3): 41-68. [Persian]
9. Mahmoudi Janaki F, Roustaie M. Justification of Criminal Intervention; Principles and Necessities. *Journal of Criminal Law Research*. 2013; 1(3): 35-66. [Persian]
10. Fallahi A. Punishment in Islamic Criminal Law from the Purpose-Oriented Point of View. *The Judiciarys Law Journal*. 2010; 74(70): 69-92. [Persian]
11. Peyvandi G. Wisdom of Punishment in the Islamic Penal System. *Islamic Law*. 2016; 13(48): 91-128. [Persian]
12. Makarem Shirazi N. Ta'zir and its scope. 1st ed. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications; 2004. p.117. [Persian]
13. Sabooripour M. The effect of individuals' risk level on deterrence of punishment towards them. *Legal Research Quarterly*. 2016; 19(75): 251-227. [Persian]
14. Haji Dehabadi A, Keramati Moez H. Confrontation of criminal enforcement guarantees of the Family Protection Law approved in 2012 with special features of criminology in the field of family. *Social Sciences Research Quarterly*. 2017; 11(39): 28-56. [Persian]
15. Moghaddasi M, Yazdani J. Penal Intervention in the Family Domain According to the Criminalization Basis. *Biannual Journal of Family Law and Jurisprudence*. 2018; 23(69): 145-172. [Persian]
16. Nobahar R. Principle of application of criminal law ambush. *Doctrines of Criminal Law*. 2011; 8(1): 91-114. [Persian]
17. Asadi L. Family criminal law. Tehran: Mizan; 2013. p.61-62. [Persian]
18. Qomash S. Humanitarian dignity as the prevention of developing criminalization. *Journal of Criminal Law Research*. 2012; 1(1): 137-158. [Persian]
19. Goldozian I. Requirements of Public Criminal Law. Tehran: Mizan; 2005; p.74, 153. [Persian]
20. Noorbha R. General criminal law. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 2005. p.156, 186. [Persian]
21. Mohseni M. General Criminal Law Course. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 1996. p.297. [Persian]
22. Abbasi M, Abbasian L, Ehsanpour SR, Ghanbari A. HIV Transmission by Sexual Intercourse and Blood Transfusion Regarding to Civil Effects and Criminal Law. *Medical Law Journal*. 2008; 2(4): 129-167. [Persian]